

برآورد راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سال‌نمای ۱۳۸۹
چشم‌انداز ۱۳۹۰

بعد فرهنگی - اجتماعی امنیت ملی

امنیت اجتماعی

مقدمه

جامعه با تداوم کارکردهای فردی و اجتماعی ثبات می‌یابد و با اختلال کارکردها، دچار عدم تعادل می‌گردد. بنابراین، طیف امنیت و ناامنی به وسعت کارکردها تعیین می‌شود و امنیت اجتماعی، همنشین هر نوع آسیبی است که متضمن هزینه اجتماعی باشد. میزان امنیت اجتماعی تابعی از میزان کیفی و کمی آسیب‌های اجتماعی است. ناامنی اجتماعی نیز به وضعیتی اطلاق می‌گردد که مانع کارکرد و ایفای نقش بهینه فرد و جامعه می‌گردد. در گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی بر اساس منشاء و خاستگاه، می‌توان آنها را در دو مقوله طبقه‌بندی کرد:

الف) آسیب‌های اجتماعی ساختارمحور:

معضلاتی هستند که از یک سو ریشه در کژکارکردی نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی دارند و از سوی دیگر، در قانون برای آنها مجازات تعیین نشده است، مانند بیکاری، تورم، فقر، طلاق و بیماری‌های پرخطر.

ب) آسیب‌های اجتماعی فاعل‌محور:

به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌گردد که مطابق قانونی که در جهت حمایت از عموم مردم وضع شده و بر اساس فرآیند قضایی معین، قابل مجازات است، مانند جرائمی از قبیل سرقت،

قتل، جرائم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و مانند آنها. در همه جای دنیا، دولت ها با آسیب های اجتماعی مواجه اند و برای مدیریت آن دست یاری به سوی متخصصان و به ویژه جامعه شناسان دراز کرده اند و کوشش های علمی زیادی در سطوح خرد و کلان برای شناخت شاخص ها، عوامل و فرایندهای این قبیل آسیب ها صورت گرفته است. اغلب مطالعات خرد و تمامی مطالعات کلان نگر بر آمار آسیب های اجتماعی متکی اند؛ چرا که شناخت دقیق و کافی، شرط لازم مداوا و مدیریت آسیب هاست، اما تاکنون، هیچ نوع آمارگیری، اعم از سرشماری یا نمونه ای درباره آسیب های اجتماعی، خصوصاً برخی ناهنجاری ها و جرائم در ایران انجام یا اعلام نشده است. نظام آماری دقیقی در کشور برای ثبت آسیب های اجتماعی که روایت نهادها و سازمان ها و مجریان آنها با یکدیگر سازگار بوده، یکدیگر را کنترل و تکمیل کنند، وجود ندارد و در بسیاری موارد، کیفیت آمار و ارقام موجود، فاصله زیادی از استانداردهای پذیرفته شده جهانی دارد. بهترین منابع، سایت مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور و همچنین، اظهار نظرهای کارشناسانه ای است که از سوی جامعه شناسان و اقتصاددانان صورت پذیرفته است. از این رو، استنباط مبتنی بر میانگین داده های کمی، معیار تجزیه و تحلیل حاضر را تشکیل می دهد. از این رو، با وجود ابهامات مفهومی و ناسازگاری و ناهماهنگی آماری میان مراجع رسمی و در بین مراجع رسمی و غیررسمی، ارائه تحلیلی مستدل و علمی از شرایط و فضای حاکم بر امنیت اجتماعی کشور به کاری بس دشوار و کاملاً نسبی تبدیل می گردد. با توجه به اینکه، هنوز آمار رسمی و دقیقی از وضعیت شاخص های امنیت و ناامنی اجتماعی در سال ۸۹ ارائه نشده است، مبنای تحلیلی این نوشته، بیشتر آمار و اطلاعات نهادهای رسمی و پژوهشی در سال های ۸۷ و ۸۸ می باشد. به رغم این محدودیت ها، جستار حاضر، ضمن آسیب شناسی برخی شاخص های مهم اجتماعی در سال های ۱۳۸۸ و مقطعی از ۱۳۸۹ و بررسی سیر تحول آن، به تطور و تکوین تهدیدهای اجتماعی در سال های جاری و آتی پرداخته، عملکرد نهادهای مدیریتی مربوطه را ارزیابی نموده و چشم انداز امنیت اجتماعی کشور در سال ۱۳۹۰ را به تصویر خواهد کشید.

آسیب شناسی اجتماعی ایران (۸۹-۱۳۸۸)

وضع نامطلوب شاخص های اقتصادی هر جامعه، یکی از عوامل اصلی آسیب های اجتماعی قلمداد می گردد. اغلب اقتصاددانان و جامعه شناسان، منشاء عمده آسیب های اجتماعی را در دو گونه پیش گفته، در عوامل اقتصادی اعلام کرده اند و همبستگی میان این دو متغیر را امری منطقی می دانند. با ابتناء بر بنیان اقتصادی، می توان اولین مشکل عمده اقتصاد کشور را رکود، فقدان تحرک و پویایی (در تولید) و تورم بالا دانست. حال آنکه، طی یک دهه گذشته، درآمد ارزی کشور از بخش نفت، بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بوده است. مشکل رکود، عدم تحرک و تورم، بنیان مهم ترین شاخص ناامنی اجتماعی، یعنی افزایش بی کاری است. براساس برآوردها،

۲۱/۶ درصد از نیروی کار ۱۵-۲۴ سال و ۱۹/۱ درصد از نیروی کار ۲۹-۱۵ سال، یا بیکارند یا کم کار، یعنی نقشی در تولید ندارند و میانگین بار تکفل در کشور، ۶/۷ است؛ یعنی هر نفر شاغل در ایران باید به طور متوسط، هزینه زندگی ۶/۷ نفر را تأمین کند. این در حالی است که شاخص‌های اقتصاد ایران، نشانگر افزایش جمعیت نیروی کار در سال‌های ۸۸ و ۸۹ می‌باشد. نرخ این بخش جمعیت در سال ۸۸، به ۲۴/۳۱ میلیون نفر رسید. این ارقام زمانی معنای واقعی‌تر می‌یابند که به ترکیب جمعیتی ایران توجه شود. این ترکیب نشانگر آن است که تعداد افراد ۱۱ تا ۱۴ سال، ۶/۷۰۸/۵۹۴ نفر، ۱۵ تا ۲۴ سال، ۱۷/۷۳۸/۱۸۳ نفر و ۲۵ تا ۶۴ سال، ۳۱/۴۱۹/۳۷۹ نفر می‌باشد.

هزینه‌های اقتصادی بی‌کاری در ایران، به عنوان چالش بزرگ اقتصادی تا حد زیادی شفاف، آشکار و قابل محاسبه است، در حالی که، نتایج غیر اقتصادی و غیرمادی بی‌کاری معمولاً مخفی است و به راحتی نیز قابل محاسبه نیست. فقر، مهم‌ترین عارضه ناشی از بی‌کاری است. مطابق آخرین آمار ارائه شده، ۲۰ درصد از جمعیت ایران که ۱۴ میلیون نفر را شامل می‌شود، زیر خط فقر (مطلق و نسبی) زندگی می‌کنند. چنانچه به منظور پرهیز از هر گونه خوش‌بینی مندرج در آمار رسمی و بدبینی مندرج در آمار غیررسمی، حد وسط به عنوان معیار قرار گیرد، باز هم بیکاری و فقر، عارضه و آسیب‌معداری در نظام اقتصادی کشور می‌باشد. این تعداد، در واقع، شامل دو دهک کم‌درآمد جامعه است، اما اگر درآمد ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را معیار خط فقر قرار دهیم، بیش از پنج دهک جامعه، یعنی حدود ۳۵ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این رقمی است که آمارهای غیررسمی کارشناسان آن را تأیید می‌کند.

۲۰ درصد از جمعیت ایران که ۱۴ میلیون نفر را شامل می‌شود، زیر خط فقر (مطلق و نسبی) زندگی می‌کنند

از دیگر آسیب‌های اجتماعی با خاستگاه عمدتاً و نه صرفاً اقتصادی، پدیده طلاق می‌باشد. برآوردهای موجود، تعداد ۱۲۵.۷۴۷ طلاق از تعداد ۸۹۰/۲۰۸ ازدواج در سال ۸۸ را به ثبت رسانده‌اند. براساس این آمار، سال ۸۸ شاهد رشد ۱۳/۸ درصدی طلاق و افزایش یک درصدی ازدواج در کشور بوده است. مقایسه آمار ۶ ماهه اول سال ۸۸ با سال ۸۹، نشان می‌دهد که ازدواج ۳/۲ درصد و طلاق ۶/۲ درصد رشد داشته است. بر اساس آخرین آمار ثبت احوال، امسال نرخ طلاق دو برابر نرخ ازدواج در کل کشور بوده است، چنانکه، مطالعات انجام شده بر روی نرخ رشد ۳/۲ درصدی ازدواج نشان داده است در شهرها ازدواج رشد منفی داشته است. این در حالی است که در روستاها شاهد رشد مثبت ۱۱/۸ درصدی بودیم که در مجموع، نرخ رشد ۳/۲ درصدی ازدواج را در شهر و روستا نشان می‌دهد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده در مورد وضعیت ازدواج، حدود ۱۷ میلیون جوان در سن ازدواج در کشور وجود دارند و مهم‌ترین عامل تأخیر در ازدواج پسران در شهرها، مسأله بیکاری، تأمین مسکن و هزینه‌های ازدواج، اعلام شده است. از دیدگاه جامعه‌شناسانه آسیب‌های اجتماعی دسته دوم در ذیل آسیب‌های ساختاری دسته اول جای می‌گیرند. آمار زندانیان که مرتکب انواع جرائم از قبیل سرقت، قحاق یا مصرف مواد مخدر، قتل و جرائم سازمان‌یافته گشته‌اند، شاخص گویایی برای ارزیابی آسیب‌های اجتماعی

فاعل محور می‌باشد. در سال ۸۸، حدود ۱۶۲ هزار نفر به ارتکاب جرایم مختلف در زندان‌های کشور به سر می‌برده‌اند. فارغ از تعداد یا درصد زندانیان، هشدار جدی مسئولان و زندان‌ها در خصوص سهم رو به رشد جوانان از جمعیت زندان است. مطابق برآورد این مسئولان، حدود نیمی از ورودی‌ها به زندان را رده سنی بین ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهد که جوان محسوب می‌شوند.

از میان جمعیت جوان ورودی به زندان‌ها، بیشترین فراوانی سنی مربوط به سن ۲۷ تا ۲۹ سال و میانگین سنی زندانیان کشور، بین ۲۴ تا ۳۲ سال است. این در حالی است که مسئولان سازمان زندان‌های ایران، شمار زندانیان کل کشور را در سال ۸۹، ۳۵ درصد بیشتر از سال ۸۸ اعلام کرده‌اند. آمار زندانیان ایران در مرداد ۸۹ به بیش از ۲۰۴ هزار نفر رسیده است. مطابق آمار جهانی، به طور متوسط، از هر صد هزار نفر، ۱۴۸ نفر در زندان هستند. از این تعداد، در ایران، ۲۷۱ زندانی در هر صد هزار نفر است و از این نظر، رتبه چهل و پنجم جهان را کسب کرده است. مصرف مواد مخدر عمده‌ترین جرمی است که زندانیان به دلیل آن در زندان هستند. نزدیک به ۴۸ درصد کل زندانیان کشور در ارتباط با جرائم مواد مخدر در زندان‌ها بوده‌اند. جمع دستگیرشدگان در ارتباط با مواد مخدر کشف شده توسط نیروی انتظامی کشور در سال ۱۳۸۸، بالغ بر ۲۱۸۷۷۰ نفر می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۸۷، رقم ۲۵۳.۱۴۱ نفر کاهش را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه در آمار مربوطه، این است که تعداد دستگیرشدگان در سال ۸۸ در ارتباط با مواد مخدر، نسبت به سال ۸۷، کاهشی محسوس داشته است، خصوصاً دسته معتادان که تقریباً به نصف کاهش یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۸). بر مبنای اظهارات فرمانده نیروی انتظامی در سال ۸۹ با توجه به برپایی اردوگاه‌های بازپروری معتادان، تعداد معتادان در سال ۸۹ نسبت به سال ۸۸، ۶ درصد کاهش یافته است.

در رده بعدی سرقت، جرم حدود ۲۰ درصد کل زندانیان کشور بوده است. براساس برآورد سالنامه آماری کشور در سال ۸۸، تعداد ۲۴۴.۳۴۲ و در سال ۸۷، تعداد ۱۵۶.۶۳۳ سرقت رخ داده است. بر اساس گزارش مطبوعاتی معاونت مبارزه با سرقت پلیس آگاهی کشور در اسفند ۸۹، زورگیری و سرقت به وسیله سلاح سرد، نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. میزان وقوع زورگیری در کشور، در سال جاری، ۴۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد که البته، کشف این جرایم نیز نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۷۷ درصد افزایش داشته است. بر مبنای این گزارش، اغلب حاملان سلاح سرد را جوانان تشکیل می‌دهند و میانگین سنی آنها کمتر از ۱۸ سال است. همچنین، کیف‌قاپی نیز رشد فراوانی داشته و در میان زنان بیشتر مشاهده می‌شود. از میان پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحقاظی نیروی انتظامی کشور، موضوع قتل و آمار آن در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷، بیانگر کاهش از ۲۲۱۵ مورد به ۱۹۶۳ مورد می‌باشد. بالاترین رقم در میان پرونده‌ها به ضرب و جرح و صدمه مربوط می‌شود که ۹۷۴ فقره در سال ۸۸ می‌باشد. در مقایسه با رقم ۳۳۳.۶۶ فقره در سال ۸۷ (همان)، میزان ارتکاب به این جرم

از میان جمعیت جوان
ورودی به زندان‌ها،
بیشترین فراوانی سنی
مربوط به سن ۲۷ تا ۲۹
سال و میانگین سنی
زندان‌های کشور، بین ۲۴ تا
۳۲ سال است

نیز بیانگر کاهش آن می‌باشد. در سال ۸۹، هنوز آمار کلی سالانه و یا نیم سال اعلام یا منتشر نشده است. در این باره، عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، در آذر ۸۹، با انتقاد از نبود مرجعی مشخص برای ارائه آمار جنایی گفت: نرخ قتل و سرقت وجود ندارد. البته، برخی آمار پلیس جنایی، نشانگر وقوع متوسط روزانه ۶ قتل در کشور در سال ۸۹ می‌باشد.

گذار از آسیب‌های اجتماعی به تهدیدهای اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۸-۸۹

آسیب‌های اجتماعی ساختارمحور با ایجاد شکاف و فاصله میان خواسته‌ها و داشته‌ها، زمینه‌ساز احساس محرومیت و نابرابری در میان اعضای برخوردار و نابرخوردار در جامعه می‌گردد. در واقع، امنیت اجتماعی در معنای مورد نظر نوشتار حاضر، در فضای داشته‌ها و خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مطرح است که نتیجه میزان فاصله و شکاف میان داشته‌ها و خواسته‌های گروه‌های اجتماعی، رضایتمندی یا نارضایتی است.

همانگونه که اشاره شد، در رضایتمندی یا نارضایتی جامعه که سرآغاز امنیت یا ناامنی اجتماعی است، دو عامل محرومیت نسبی / برخوردار و نابرابری / برابری، دارای مهم‌ترین نقش هستند. در حالی که مطالعه آمار مربوط به جمعیت فعال و نیروی کار کشور، جمعیت بیکار و شاغل (چه منتشره از جانب مراجع رسمی و چه غیررسمی)، بیانگر آن است که استحقاق‌ها (ی مساوی)، جایگاهی در بهره‌مندی و برخوردار و خصوصاً جمعیت فعال و نیروی کار کشور ندارد. از این نظر، عدالت اقتصادی مرکز ثقل امنیت اجتماعی است. در برداشتی عمیق‌تر، به نظر می‌رسد سطح برقراری تعادل و توازن بر مبنای عدالت با سطح برقراری تعادل و توازن بر مبنای امنیت متفاوت، است.

موضوع قتل و آمار آن در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷، بیانگر کاهش از ۲۲۱۵ مورد به ۱۹۶۳ مورد می‌باشد

در این چارچوب، وجود آسیب‌های اجتماعی از قبیل رکود، تورم، بیکاری، فقر و مانند آنها، زمینه را برای بروز انفکاک بین داشته‌ها و خواسته‌های جامعه و در نتیجه، بروز احساس محرومیت، نابرابری و بی‌عدالتی فراهم می‌سازد. آمار و ارقام ارائه‌شده، به وضوح بیانگر نوسانات معنادار طی سال‌های ۸۸ و ۸۹ می‌باشد. در شرایط مستعد بروز نارضایتی از وضع موجود، امید به آینده و امید به زندگی، خصوصاً در جمعیت فعال، بیکار و جویای کار، رو به کاهش است. خیل بیکاران، سیل فقر را به دنبال داشته و فقر اقتصادی، به فقر فرهنگی خواهد انجامید. وقوع و گسترش انحرافات اخلاقی و هنجارشکنانه، جرائم و بزهکاری که همانگونه که گفته شد، از بیشترین پراکنش در میان جوانان برخوردار می‌باشد، عمدتاً تابعی از شرایط اقتصادی نامساعد آنان است. طبق آمار مسئولان سازمان زندان‌های کشور، بالاترین رقم زندانیان کشور به افراد بیسواد، کم‌سواد و متعلق به اقشار ضعیف اقتصادی اختصاص دارد. افزایش ۳۵ درصدی زندانیان کشور در سال ۸۹، نسبت به سال ۸۸، نشانگر شرایط اقتصادی، اجتماعی ناهنجاری است که در خور تعمق و تأمل می‌باشد.

دولت نهم و دهم با ایده «عدالت» به طرح و اجرای سیاست‌های اقتصادی پرداخته است.

مهم ترین سیاست اقتصادی دولت، حذف یارانه ها و هدفمندسازی آن از طریق پرداخت های مستقیم می باشد. این سیاست که به درستی به مبنای رضایتمندی اجتماعی واقف است، عدالت اقتصادی را رکن امنیت اجتماعی انگاشته است. این طرح که به طور مشخص از فصل آخر سال ۸۹ به اجرا در آمده، توزیع عادلانه ثروت در جامعه را در شرایط ثبات درآمدها و افزایش هزینه ها پی جویی می کند. چنانچه وجود خیل نیروی کار غیرماهر، بیکار و جویای کار به این شرایط افزوده شود، عدم توازن عرضه و تقاضا، شرایط اقتصادی را به شدت تحت الشعاع قرار می دهد. پیامد کوتاه مدت این طرح می تواند توان دولت در پاسخ گویی به نیازهای اقتصادی اجتماعی را به چالش کشیده و منجر به تخصیص توان دولت در جهت مقابله با آسیب ها گردد. از دیدگاه جامعه شناختی، گسترش آسیب های اجتماعی فاعل محور در نتیجه گسترش آسیب های اجتماعی ساختارمحور، به معنای تبدیل آسیب های اجتماعی به پدیده و عارضه تهدیدهای اجتماعی است. به نظر می رسد آمار و ارقام مربوط به تعداد دستگیرشدگان و زندانیان در سال ۸۹ نسبت به سال ۸۸، بیانگر فرارفتن پدیده ها از مرحله آسیب به مرحله تهدیدها باشد که نیازمند تأمل و تعمق بیشتری از جانب سیاست گذاران می باشد.

چشم انداز ۱۳۹۰

برنامه پنجم توسعه، چشم انداز نویدبخشی از شرایط و زمینه های اجتماعی امنیت در کشور ترسیم می نماید. این برنامه با برآورد نرخ تورم تک رقمی، پیش بینی کرده جمعیت فعال کشور با رشدی معادل ۳/۳ درصد، به ۲۷ میلیون و ۲۱۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ و به ۳۰ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ افزایش یابد. بنابراین، عرضه نیروی کار در این دوره، از ۸۴۷ هزار نفر در ابتدای دوره به یک میلیون نفر در انتهای دوره خواهد رسید. در جهت پاسخ گویی به این نرخ عرضه نیروی کار، پیش بینی شده در سال های برنامه پنجم، به طور متوسط ۱۱/۲ درصد سرمایه گذاری، رشد یافته و سالانه به طور متوسط، یک میلیون و صدهزار فرصت شغلی ایجاد گردد. در سایه چنین تحرکی، جمعیت شاغل به ۲۴ میلیون و ۱۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ و به ۲۸ میلیون و ۷۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش خواهد یافت. طی این مدت، جمعیت بیکار با روندی کاهنده، به ۳ میلیون و ۲۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ و دو میلیون و ۱۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ تقلیل خواهد یافت (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی لایحه پنجم توسعه). در برآوردی دیگر، شمار نیروی کار در ایران، در سال ۱۳۹۰، به ۲۶ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و نرخ بیکاری برابر با ۱۴/۱ درصد پیش بینی شده است. فارغ از خوش بینی یا بدبینی مندرج در برآوردهای رسمی و غیررسمی، ایران ۱۳۹۰ به بعد، همانند دوره های قبل با آسیب های اجتماعی ساختارمحور و فاعل محور مواجه خواهد بود. به ویژه که سال ۱۳۹۰، زمان به بار نشستن اولین نتایج هدفمندسازی یارانه ها است و بسیاری از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی میان مدت این سیاست را می توان در سال ۹۰ به نظاره نشست. طبیعی است ایجاد هر گونه تغییر بنیادین

بالاترین رقم زندانیان کشور به افراد بیسواد، کم سواد و متعلق به اقشار ضعیف اقتصادی اختصاص دارد

با چالش‌ها و تبعات ناگواری همراه خواهد بود. از این رو، انتظار بهبود و پیشرفت ناگهانی شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال گذشته، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، خصوصاً اگر جمعیت جوان و رو به رشد کشور در محاسبات لحاظ گردد که مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود را دارد و در بسیاری موارد، از ظرفیت‌های مادی و مدیریتی موجود برای سامان‌دهی فراتر می‌رود.

راه کارها

با وجود مشکلات و محدودیت‌هایی که در ساختار اقتصادی اجتماعی کشور به چشم می‌خورد و همچنین، با وجود کاستی‌هایی که در مدیریت آسیب‌های دامن‌گیر ساختارهای فوق‌الذکر، ظرفیت‌های لازم در کشور به منظور کنترل و کاهش سطح آسیب‌ها فراهم می‌باشد. این ظرفیت‌ها رهنمون‌گر راهکارهایی به شرح ذیل می‌باشند:

۱. تنظیم نظام آماری دقیق و هماهنگ به عنوان رکن تحقیقات آسیب‌شناسی کلان‌نگر.
۲. انقباض در عرصه نیروی کار از طریق اجرای مؤثر سیاست کنترل موالید، برنامه‌ریزی برای تطابق نظام آموزشی عمومی و عالی با نیازهای بازار کار و ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور خوداشتغالی.
۳. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای انبساط در تقاضای نیروی کار پایه از طریق ایجاد مشوق‌های لازم برای جذب سرمایه ایرانیان مقیم خارج، ایجاد سازوکارهای لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، اولویت سرمایه‌گذاری در طرح‌های کاربر، گسترش طرح‌های تولیدی، ایجاد زمینه‌های لازم در طرح‌های دانش‌بر و کاربر، هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های با کاربری بیشتر و نیروی انسانی متخصص‌تر.
۴. انعطاف در محیط اقتصادی اجتماعی از طریق سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب که پاسخ‌گوی نیازها و الزامات اقشار و طیف‌های مختلف جامعه باشد، مانند استقرار نظام‌های حمایتی کارآمد به عنوان ضامن حقوقی کارگران و کارفرمایان، غیرامنیتی کردن پدیده‌هایی مانند کثرت‌فتری‌های فردی، نظام رقابت اقتصادی خصوصی، پذیرش و تقویت نقش طبقه متوسط، نظام آموزشی و پژوهشی رقابتی.

آمار و ارقام مربوط به
تعداد دستگیرشدگان
و زندانیان در سال ۸۹
نسبت به سال ۸۸، بیانگر
فرارفتن پدیده‌ها از مرحله
آسیب به مرحله
تهدیدها می‌باشد